



خیلی دقیق نمی‌توانم بگویم چند سال، اما فکر می‌کنم سه‌سال‌های زیادی است که از سینما فاصله گرفته بودید. این دوری دلیل خاصی داشت؟

بخشی از دوری من از سینما به‌دلیل مسائل شخصی بود و بخشی دیگر هم به مهیا نبودن شرایط برای ساخت فیلم مربوط می‌شد. در برهه‌ای از زندگی دچار یک مسأله‌ای شدم که تأثیرات زیادی بر زندگی شخصی من گذاشت و باعث شد تا به‌دلیل عدم تمرکز، از فیلم‌سازی هم فاصله بگیرم.

راجع به مهیا نبودن شرایط کمی بیشتر توضیح می‌دهید؟

چیزی را که می‌خواهم بگویم فارغ از هرگونه خط سیاسی است، چراکه در تمام زندگی‌ام نه اهل خط سیاسی خاصی بودم و نه باند بازی کردم. من در دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و مدیران سینمایی ایشان فیلم‌سازی را کنار گذاشتم. در آن دوره متأسفانه تفکر باندي شدیدی حکم‌فرمایی می‌کرد و این‌طور هم نبود که تفکرات مختلف حاکم باشد، بلکه به این صورت بود که همه به دو دسته تقسیم می‌شدند یا با تفکر حاکم بودند یا ضد آن‌ها و این وسط تفکر بینابینی وجود نداشت. این تقسیم‌بندی‌ها هم بدون در نظر گرفتن منافع و مصالح سینما اتفاق می‌افتاد که در جاهایی هم به‌شدت به‌اصطلاحاً با ضرر زد. خبر در آن شرایط برای کسی مثل من که اهل باند و بدنه‌های سینما، کار کردن خیلی دشوار بود. امروز شرایط با آن زمان فرق کرده که دوباره به عرصه فیلم‌سازی بازگشته‌اید؟

پیش از اصلاحات ما سینمایی داشتیم که در آن نفس اول، کارگردان نبود و بعد تهیه‌کننده‌ها اما هرچه جلوتر آمدیم، به بهانه خصوصی‌سازی و در اصل به‌خاطر منافع شخصی مدیران سینمایی، سینما به‌سمت ستاره‌سازی پیش رفت. الآن در شرایطی هستیم که دو سوم هزینه یک پروژه ۱۱ میلیون تومانی به بازیگران اختصاص پیدا می‌کند. دلیل این اتفاق هم آن است که سینمادارها نفر این سینمایی ایران شده‌اند و این سینمادارها هستند که حرف اول را می‌زنند. آن‌ها هستند که دالقه فیلم دیدن و فیلم‌سازی را مشخص می‌کنند و حضور یک بازیگر چهره به‌همه‌چیز برتری دارد و در این شرایط است که بازیگران به‌طور غیرطبیعی دستمزد می‌گیرند و این باعث می‌شود که حجم زیادی از سایر عوامل سینما، با دستمزد خیلی پایین کار کنند. برای مثال کارگردانی که صاحب فکر و اندیشه است، جای خاصی در سینما ندارد. خوب

محسن محسنی‌نسب از سال‌های حاشیه‌نشینانی در سینمای گوید

نه اهل سیاست بودم نه باندبازی

منیرالسادات حسینی

محسن محسنی‌نسب دانش آموخته سینماست و در سال‌های دهه ۷۰ با فیلم‌هایی چون «یاس‌های وحشی» و «شیرهای جوان» جزو کارگردان‌های مطرح سینما به حساب می‌آید. دوری او از سینما از میانه دهه ۷۰ و بازگشت دوباره‌اش به سینما در سال جاری با فیلم «شانه دوست» باعث شد سرآغ او پررئوم و دلیل این غیبت و بازگشت را جویا شویم.

این برای امثال من که شرایط غیر از این را تجربه کردم، بسیار سخت است. جالب‌تر این که ورود ستاره‌های جدید هم به سینما متوقف شده و کسی مثل محمدرضا گلزار که نزدیک ۴۰ سال سن دارد، به زور گرم نقش پسرهای ۲۰ ساله را بازی می‌کند یا کسی مثل حامد بهداد که ستاره سال‌های اخیر سینمای ایران است، ۳۸ سال دارد ولی هنوز نقش جوان ۲۲ ساله را بازی می‌کند. معلوم هم نیست که با این شرایط تا کی می‌توان به مدد گرمی، پیرزن‌ها و پیرمردهای سینمای ایران را به دختر و پسرهای جوان تبدیل کرد. با وجود تمام این موارد احساس می‌کنم در حال حاضر سینمای ایران شرایط بهتری را نسبت به دوره‌های گذشته سیری می‌کند.

اما برخی فیلم‌سازان رویدادهایی مانند اتصال خانه سینما در راستای یادداشتن شرایط فیلم‌سازی تحلیل می‌کنند؟
اتفاق به مورد بسیار خوبی اشاره کردید؛

پیش از اصلاحات ما سینمایی داشتیم که در آن نفر اول، کارگردان بود و بعد منافع شخصی مدیران سینمایی، سینما به‌سمت ستاره‌سازی پیش رفت.

خود من جزو اولین اعضای خانه سینما بودم و بدون‌شک وقتی این خبر را شنیدم، متأثر شدم و مخالف این حرکت بودم. اما وقتی با آقای شمشقردی صحبتی در این‌باره داشتم، با توضیحاتی که ایشان دادند تازه فهمیدم علی‌رغم این که بیرون از بدنه سینما که همه فکر می‌کنند بسته شدن خانه سینما چه‌کار بدی بوده اما چقدر درست و اصولی است و چقدر به‌نفع سینمای ایران.

این تغییر دیدگاه خیلی جالب است!
تا قبل از این که با جواد شمشقردی صحبت کنم، به شخصه فکر می‌کردم که بسته شدن خانه سینما یک لعج و لجاجی سیاسی است، اما بعد از صحبت با ایشان تازه فهمیدم یک حرکت دلخواه است، چراکه از رقم ۱۵۰ میلیارد خیلی پایین کار کنند. برای سینما صرف کرده است، ۹۰ درصد تنها صرف مخارج ۱۵ تا ۲۰ اهالی خانه سینما شده و یک است □

سلام سینما

موروی بر بازگشت برخی فیلم‌سازان گوشه‌نشین

امید صبوری

شاید باورش چندان راحت نباشد، ثبت اسامی سینماگرانی که پس از انقلاب ردای فیلم‌سازی بر تن کرده و اولین تجربه‌های خود در زمینه کارگردانی را به ثبت رسانده‌اند، نیازمند فهرستی یا نزدیک به ۴۰۰ ردیف است! تنها ۳۰ سال از عمر سینمای ایران می‌گذرد و چنین رقمی در ابتدای امر اصلاً با دایره محدود تولیدات و آثار ثبت شده در خاطره جمعی مخاطبان سینمای ایران قابل‌قیاس نیست. در این بین اما واقعیتی را نمی‌توان نادیده گرفت و آن رفیقان نیمه‌راه قافله سینمای ایران است، فیلم‌سازانی که تا جایی با تمام فراز و فرودها کنار آمدند و فیلم ساختند، اما از جایی به بعد بریدن، بردیغان فیلم‌سازی خود سرپوش گذاشتند و به گوشه خلوت خود خزیدند. در میانه این طیف بیشترین سهم برای آثانی است که در تولد و شکل‌گیری تنها تاز بومی سینمای ایران سهمیه بوده‌اند: فیلم‌سازانی که در اوج سال‌های دفاع مقدس و حتی چند صیاحی پس از آن دوربین در دست گرفتند و قصد ثبت رشادت‌ها کردند. داستان دلایل و صورتو حکم کلی دربار تمام این گوشه‌نشینان، جز بیان اصلی سینمای ایران فرصتی فراخ می‌طلبد. در این مختصر کارنامه برخی از فعالان امروز این طیف گوشه‌نشین را مرور می‌کنیم. در این فهرست نام سینماگران دیگری را نیز می‌توان جای داد که احتمالاً در آینده نزدیک از فعالیت‌های سینمایی‌شان بیشتر خواهیم‌شنید.

با کارگردانی مستند تبلیغاتی محمود احمدی‌نژاد در رقابت‌های انتخاباتی دوره



جواد شمشقردی

معاون امور سینمایی فعلی وزارت ارشاد، که امروز شناخته شده‌ترین چهره رسانه‌ای عرصه سینما محسوب می‌شود، روزگاری از طیف سینماگران سینمای دفاع مقدس بود. سینماگرگی که با مستند «با زهر!» اولین حضور در جشنواره فیلم فجر را در نخستین دوره این رویداد تجربه کرد. این سینماگر ۵۲ ساله شهید، فارغ‌التحصیل رشته کارگرم از سینما دور بودم، اما مطالعات زیادی داشتم و نگذاشتم که گذر زمان مهارت‌ها را از خازرم بگیرد. البته در کنار مطالعات سینمایی، فیلم کوتاه هم ساختیم و همین امر باعث شد تا خیلی از فضای سینما دور نباشم. اما قبلی که بعد از گذشت این سال‌ها دفاع‌مقدسی روی رده برود، شمشقردی در دومین تجربه کارگردانی «توفان شن» را در سال ۷۱ مقال دوربین برد تا نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش با مضمونی دفاع‌مقدسی روی رده برود. شمشقردی در حوزه سینمای دفاع مقدس هستند. حضور خواهد داشت، از نظر نوع ساخت و پرداخت، کسانی را که تا قبل از این فیلم‌های که تا به امروز تنها اثر سینمایی درباره این حادثه است، شمشقردی پس از این تجربه به‌طور کامل از فضای تولید در سینما فاصله گرفت، اما چند سال بعد

از حبیب کاوش نام برد. چهره‌ای که در بازگشت به سینما، همچون شمشقردی بیشتر تمایل به مدیریت داشته است تا فیلم‌سازی. کاوش البته در ابتدای امر شانس خود در عرصه کارگردانی مجدد را به محک تجربه گذاشت که حاصل آن فیلم «محفصل ایکس» بود. فیلمی ضعیف که نه در جشنواره توجهی را به خود جلب کرد و نه در عرصه اکران فرصت مواجهه با مخاطب یافت. کاوش دو دهه پیش از این، فیلم‌سازی نسبتاً پرکار بود و آثاری چون آب (۵۳)، پرواز در قفس (۵۷)، فصل خون (۶۰)، دادشاه (۶۲)، آتش پنهان (۶۹) و امید (۷۰) را در کارنامه دارد. کاوش اگرچه از سال ۷۰ تا سال ۸۸ غیبتی طولانی در عرصه فیلم‌سازی را پشت سر گذاشت، امروز بر کرسی شورای صنفی نمایش به‌عنوان اصلی‌ترین گلوگاه ورود فیلم‌ها به میدان اکران تکیه زده است تا یکی از چهره‌های خیرساز حوزه مدیریت سینما باشد.



جمال شورجه

از جمله سینماگران سیاست‌گذار می‌توان به جمال شورجه اشاره کرد. فیلم‌ساز پرکار دهه ۶۰ و ۷۰ با تغییر فضای سیاست‌گذاری در وزارت ارشاد به‌سمت تلویزیون گرایش پیدا کرد و پس از سال‌ها در قامت یکی از اعضای شورای عالی سینما به عرصه بازگشت.

وی از سینماگران ثابت قدم سینمای دفاع مقدس محسوب می‌شود که پس از ابراهیم حاتم‌کیا بیشترین اثر را در

حضور شمشقردی در پست مشاور هنری ریاست‌جمهوری سویه مدیریتی کارنامه او را پررنگ‌تر کرد. سوبه‌ای که در آینده کرسی معاونت سینمایی را نصیب او کرد تا اگرچه خود فرصت فیلم‌سازی نمی‌یابد، اما جاده‌باز کن سینماگران هم‌فکر خود برای ورود مجدد به جغرافیای سینما شود

این حوزه ساخته است. فیلم‌ساز ۵۷ ساله اهل زنجان که فیلم‌های «روزنه» (۶۷)، «شعب دهم» (۶۸)، «عملیات کرمک» (۷۰)، «حماسه جنجون» (۷۱)، «عبور از خط سرخ» (۷۴)، «دایره سرخ» (۷۴) و «خلیجان» (۷۶) را در کارنامه خود دارد و تهیه‌کننده فیلم «نفوذی» (۸۸) هم بوده است.

طراحی صحنه فیلم «پرواز در شب» (رسول ملاقلی‌پور)، مشاورت کارگردان در فیلم «فرزند خائن» و دستیار وی در فیلم‌هایی چون «وله‌تسو» و «الماس بنفش» از دیگر فعالیت‌های شورجه در حوزه سینمای دفاع مقدس هستند. شورجه نیز به‌عنوان کارگردان، نزدیک به ۱۴ سال است فیلمی با مضمون دفاع مقدس نساخته است و تازه‌ترین فعالیتش در سینما، کارگردانی «۳۳ روز» با موضوع مقاومت جنوب لبنان بوده است.



حبیب کاوش

معروف‌ترین فیلم‌های محسنی‌نسب با موضوع دفاع مقدس ساخته شده‌اند. این فیلم‌ساز ۵۲ ساله ساوه‌ای، فیلم‌هایی چون «باز باران»، «سیدبالا»، «آخرین مرحله»، «پورش» و «یاس‌های وحشی» را با مضمون دفاع مقدس در کارنامه دارد. او حدود ۱۶ سال است فیلم جنگی دیگری نساخته است و در این مدت تنها فیلم اجتماعی «شیرهای جوان» را مقابل دوربین فرستاده است. محسنی‌نسب امسال پس از سال‌ها فیلمی در جشنواره فیلم فجر دارد. فیلمنامه «شانه دوست» را خود محسنی‌نسب نوشته و فیلم‌برداری در تهران و شهر نور مازندران انجام شده است. داستان فیلم درباره دو زن زندانی است که یکی به‌دلیل سرعت و دیگری به‌خاطر مواد مخدر در بند هستند. آن‌ها با هم از زندان آزاد می‌شوند و شرایطی خاص برای‌شان به‌وجود می‌آید. گفته می‌شود که این فیلم قسمت اول از سه‌گانه‌ای است که محسنی‌نسب ساخت آن را دنبال می‌کند که بخش‌های دیگر آن «کرسنال» و «کندو» نام دارد □

شورجه و حاتم‌کیا بیشترین فیلم را در حوزه دفاع مقدس ساخته‌اند



احمد مرادابور

سازنده یکی از فیلم‌های مهم سینمای دفاع مقدس با نام «سجاده آتش» است که می‌توانست با ادامه کار در این سینما، خالق فیلم‌های موفق دیگری هم باشد که این اتفاق رخ نداد. «نجر» را در سال ۷۸ ساخت و تا ۱۲ سال پس از آن هیچ فیلم بلند دیگری در این زمینه کارگردانی نکرد. مرادابور ۵۱ ساله هم‌چون برخی از هم‌راهان سال‌های دورش در این دوران مهجور ماندن سینما، راه تلویزیون را در پیش گرفت و در سال ۸۵ سریال «تجسین‌شده» «قص پرواز» را با مضمونی دارای پس‌زمینه دفاع مقدس، مقابل دوربین برد. مرادابور اما این سال‌ها بار دیگر عزم سینما کرده است. هرچند احتمال کارگردانی فیلم سینمایی «رخ شانه حوا» توسط او به مرحله تحقق نرسید، اما ابتدای اسال سرپرست مؤسسه سینمایی سوره از تولید پنج فیلم سینمایی در این مرکز خبر داد که از این میان پنج عنوان فیلمنامه با موضوع دفاع مقدس به سرپرستی احمد مرادابور در حال نگارش است. تازه‌ترین خبر از فعالیت‌های این فیلم‌ساز هم آغاز نگارش فیلمنامه فیلم سینمایی «شنام» بر اساس کتابی به همین نام است. کتاب «شنام» خاطرات خودنوشت کاوش گلزار راغب از دوران اسارت توسط حزب کومله کردستان است.



محسن محسنی‌نسب

● سال‌های دور از خانه